

## بررسی تلمیح در آثار میر نوروز و داراب افسر بختیاری

### واژگان کلیدی

\* آرایه‌های ادبی

\* تلمیح

\* داراب افسر بختیاری

\* شاعران بختیاری

\* میر نوروز

دکتر ژیلا خانجانی\* jilakhanjani@gmail.com

استادیار زبان شناسی همگانی دانشگاه پیام نور تهران

آذر ایمانی پور

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی دانشگاه پیام نور تهران

### چکیده

تلمیح به عنوان یکی از شگردهای بلاغی است که همواره نقشی مهم و موثر در القای عواطف و آفرینش تصاویر ادبی؛ بخصوص در حوزه شعر داشته است. ویژگی قابل توجه تلمیح آن است که به عنوان یک شیوه فرمی برای تبیین ذهنیات، می‌تواند آشکال بلاغی دیگری را نیز در بطن خود جای دهد و بدین ترتیب، هم جنبه مخیل سخن را قوت بخشد و هم بُعد القایی آن را برجسته سازد. کاربرد تلمیح در شعر، از یک سو موجب خلق معانی تازه می‌گردد و از سوی دیگر، نقش مهم و مؤثری در خیال‌انگیز کردن و غنی‌تر ساختن تصاویر شعری ایفا می‌کند. براساس همین اهمیت، هدف مقاله حاضر، بررسی جلوه‌های کارکرد معنایی و بلاغی تلمیح در اشعار میرنوروز و داراب افسر بختیاری از شاعران بنام لرستان است که با روش توصیفی - تحلیلی انجام می‌گیرد. یافته‌های این تحقیق حاکی از آنند که برجسته‌ترین گونه‌های تلمیح در اشعار میرنوروز و داراب افسر بختیاری عبارتند از: اشارات و قصه‌های قرآنی - روایی؛ به ویژه ماجرای پیامبران، تلمیحات تاریخی - داستانی اشارات اساطیری - حماسی. به نظر می‌رسد این دو شاعر بر آن بوده‌اند تا شعر را به عنوان منبع آگاهی برای مردم ارائه دهند.

## مقدمه

تلمیح<sup>۱</sup> یکی از آرایه‌های معنوی بدیع است و عبارت است از اشاره به آیه، حدیث یا داستان مشهور، تلمیح دارای دو ژرف ساخت تشبیه و تناسب است (شمیسا، ۱۳۷۳: ۱۱۲) و در اصطلاح علم بدیع عبارت است از «اشاره تصریحی یا تلویحی به مکان، شخص یا رویداد یا یک اثر ادبی دیگر» (حسینی، ۱۳۷۵: ۶۰). از آنجا که تلمیح باعث ایجاد موسیقی معنوی در شعر می‌شود اکثر شاعران پارسی زبان در دوره‌های مختلف گذشته و حال از آن به عنوان یکی از روش‌های هنری در شعر استفاده کرده‌اند. در واقع این روش می‌تواند در بالا بردن اطلاعات و آگاهی و درک و فهم مطلبی که در یک اثر به آن اشاره و تلمیح شده مؤثر واقع شود به طوری که خواننده‌ی مطلب برای فهمیدن مطلب به تلاش و کوشش می‌پردازد تا موضوع مورد اشاره را خوب درک کند و این کار مستلزم مطالعه‌ی فراوان چه در زمینه‌های قرآنی و دینی و اساطیری و تاریخی و ادبی است.

آوردن تلمیح در شعر و نثر به زیبایی کلام می‌افزاید، زیرا: اولاً تناسب و رابطه‌ای میان مطلب اصلی برقرار می‌سازد، یعنی انتقال از کثرت به وحدت است، ثانیاً در تلمیح با واژه‌ای یا جمله‌ای داستانی کامل یا کل مطلبی در ذهن متداعی می‌شود و این تداعی بسیار شیرین و خوش است. در تلمیح ایجاز هست، یعنی معانی بسیار در کمترین الفاظ آورده می‌شود (وحیدیان، ۱۳۸۳: ۶۶-۶۸). یکی از مباحث مهم و اساسی در بحث تلمیح، تلمیح‌هایی است که اشاره به قصه‌های قرآنی، سوره‌ها و آیه‌ها و احادیث دارد زیرا این مبحث از تلمیح هم جنبه آموزشی و تربیتی دارد و هم نشان‌دهنده میزان توجه شاعران و نویسندگان به معارف دینی و جنبه‌های دینی زمانی که شاعر و نویسنده زندگی می‌کنند دارد زیرا یک شعر یا یک نثر از یک شاعر و نویسنده اگر خوب تحلیل و تفسیر شود تا حد زیادی بیانگر خصوصیات فرهنگی و اجتماعی مردم هم عصر آن شاعر و نویسنده خواهد بود. با توجه به مطالب فوق پژوهشگر سعی

<sup>۱</sup>allusion

کرده در پژوهش حاضر به بررسی تلمیح در اشعار دیوانی میرنوروز و داراب افسر بختیاری پردازد.

### پیشینه تحقیق

در زمینه تلمیح و بررسی آن در شعر میر نوروز و داراب افسر بختیاری و موضوعات وابسته به آنها مقالات و پایان‌نامه‌هایی نیز توسط دانشجویان و محققان نوشته شده است که برخی از آنها عبارتند از:

۱- مقاله فاطمه مدرّسی و رقیه کاظم زاده با عنوان "انواع تلمیح در غزل‌های حسین منزوی و سیمین بهبهانی" که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. در این مقاله شش مورد تلمیح در شعر این دو شاعر بررسی شده است. تلمیحات مرکزی، قرآنی، دینی، اساطیری، ادبی و تاریخی.

۲- مقاله محسن اعلا با عنوان "کندوکاوی در آرایه تلمیح" که در سال ۱۳۸۹ به چاپ رسیده است. در این مقاله تلمیح از دیدگاه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته، در این مقاله نویسنده به بررسی تلمیحات اسلامی، ایرانی و سامی پرداخته است.

۳- مقاله محمد سلمانی با عنوان "بررسی و تحلیل بلاغی تلمیحات شاهنامه‌ای" که در سال ۱۳۹۵ توسط علی پدرام میرزایی و هوشنگ مرادی به چاپ رسیده است.

۴- مقاله نسرين فلاح "تلمیح اشخاص در دیوان مخفی" که در سال ۱۳۹۳ چاپ شده است. در این مقاله بر مبنای سبک شناسی آماری در کل دیوان، به بررسی اشخاص، کارکردها و ساختار اجزای آن و گونه‌های بیانی و بلاغی پرداخته است.

۵- مقاله عطا محمد رادمنش و اردشیر اصلانی با عنوان "تلمیحات و روایات تاریخی در مثنوی یوسف و زلیخای شعله گلپایگانی" که در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسیده است. در این مقاله

تلمیح یکی از مهمترین منابع معنی آفرینی در ادبیات فارسی ذکر شده و با بررسی تلمیحات می توان به تأثیر زیاد آیات و احادیث در اشعار او پی برد.

۶- پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد علیرضا محمودی ۱۳۷۹ در دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) با عنوان «بررسی تلمیح در شعر پنج شاعر معاصر (توللی، مشیری، ابتهاج، خوی و آتشی)».

۷- پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد فیض‌اله بازوند ۱۳۹۳ با عنوان «صور خیال در اشعار لری میر نوروز».

۸- پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد شهین یوسفوند ۱۳۹۵ با عنوان «بررسی صور خیال در اشعار میر نوروز با تکیه بر (تشبیه و استعاره)».

۹- پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد معصومه عباس زاده ۱۳۸۹ با عنوان «بررسی دیوان داراب افسر بختیاری (از دیدگاه زیباشناسی و ساختار زبانی)».

۱۰- مقاله کندوکاوی در آرایه تلمیح محسن اعلاء ۱۳۸۹.

### میر نوروز

میر نوروز فرزند عرب فرزند منصور فرزند احمد فرزند شاهرودی خان، آخرین اتابک لرستان است. اتابکان خاندانی هستند که به مدت ۵۲۳ سال با سیاست تمام بر لر کوچک حکومت کردند. او در شیراز تحصیل کرد و دروس آن زمان را چون ادبیات، منطق، فلسفه و نجوم را تمام کرد و بر ادبیات اساطیری ایران چون شاهنامه فردوسی مسلط گشت و پنج گنج نظامی را مأنوس خود قرار داد. میر نوروز در شعر پیرو نظامی بود و دیوانی درست بر سیاق او به وجود آورد. در دیوان ۸۲۷ بیتی خود ۲۵۷ بیت در توحید و نعت رسول (ص) و معراج و مناجات دارد.

سبک میرزا برهمه‌ی شعرای بومی سرای لر برتری دارد، گویی با اشعارش در ددل همه را می گوید و احساس خود را به احساس دیگران گره می زند و به همین سبب بعد از ۳۰۴ سال که

از ولادت شاعر گذشته هنوز حدود هزار یک بیت از وی در سینه مردم لرستان وجود دارد و محال است بایک لر زبان همدم شویم و چیزی از میر نوروز نداند. همچنان که مردم فارسی زبان با دیوان حافظ فال می‌گیرند، مردم لر زبان هنوز که هنوز است با اشعار میر نوروز که آن را "چل سرو" می‌نامند فال می‌گیرند (میر نوروز، ۱۳۹۴: ۳۶).

### داراب افسر بختیاری

داراب افسر بختیاری فرزند اصلان از طایفه احمدی بختیاری است. داراب افسر در سال ۱۲۷۹ شمسی در چقاخور بختیاری متولد شده و از سال ۱۳۲۰ شمسی مقیم اصفهان گردیده است. داراب افسر از سن سی سالگی شروع به سرودن شعر کرده و اولین شعر او به زبان و لهجه بختیاری شعر ملی و جالبی با نام رستاخیز مسجد سلیمان است. متأسفانه امروز بیش از ۱۵۰۰ بیت از اشعارش از بین رفته است. بیش از همه اشعار قسمتی که مورد علاقه شخص اوست مدحی است که با خلوص نیت نسبت به حضرت علی (ع) سروده است. درباره اجداد افسر حکایتی است که می‌گویند قریب سیصد سال قبل جد بزرگ آن طایفه که از خوانین لرستان بوده در یکی از جنگ‌های محلی در لرستان که خاندان و کسان او کشته شده بوده‌اند ناچار شده است بطور ناشناس به بختیاری بیاید (بختیاری، ۶: ۱۳۴۴-۷) و بدون آنکه خود را معرفی کند سالیانی در خدمت خوانین ایل بختیاری گذرانده و چون لیاقت و شجاعت خاصی از خود نشان داده دختر خان بختیاری را بزنی گرفته پس از هفت سال طرفداران خاندان او که دشمنان را سرکوب کرده بودند به جستجوی او به بختیاری آمدند تا او را به لرستان برگردانند و به مقام ریاست ایل برگزیدند ولی او دعوت آنها را نپذیرفت و در بختیاری ماند تا در گذشت. شعر داراب با توجه به شرایط خانوادگی و اصالت ایلی و شرایط اقلیمی و اجتماعی دیار بختیاری سروده شده و در حقیقت آینه تمام نمای احساسات، عواطف و ذوق سرشار یک بختیاری تبار است که سادگی و صفای انسان را بیان می‌کند و صمیمیت زندگی روستایی و عشایری را نشان می‌دهد که در کنار رنگ و بوی زندگی شهری و مشکلات اجتماعی تلاش می‌کند تا هویت عاطفی و انسانی خود را حفظ و آن شور و شادمانی صادقانه و بی‌ریای خود

را نسبت به انسان‌ها آشکار نماید تا افراد بتوانند در مسیر رشد تکامل انسانی قدم بردارند (رضوی، ۱۳۹۰).

### چارچوب نظری تحقیق

تلمیح یکی از آرایه‌های ادبی که از دیرباز مورد استفاده شاعران و نویسندگان جهان است و باعث جذابیت و زیبای نوشته می‌شود (شعر و نثر) و یکی از آرایه‌های بدیع معنوی است که در لغت به معنی اشاره کردن، به گوشه چشم نگاه کردن و دیدن و آشکار ساختن است و در اصطلاح ادبی اشاره کردن به مثل؛ قصه و داستانی به گونه‌ای که در درون نوشته چه نظم باشد چه نثر اشاره‌ی کوچکی به موضوع شده باشد. در کتاب انوار البلاغه، تلمیح این گونه بکار رفته است: «آن است که از فحوای کلام اشاره شود به شعری یا قصه‌ای یا مثل مشهوری بدون آنکه آن شعر یا قصه یا مثل مذکور شوند، خواه آن کلام نظم بوده باشد، یا نثر (هادی، ۱۳۱۴: ۳۸۹). در سده‌های آغازین تا قرن ۶ یعنی در سبک خراسانی بیشتر تلمیحات اساطیر ایرانی در شعر شاعران به کار می‌رفت و از قرن ۶ به بعد یعنی در سبک عراقی تلمیحات مذهبی و اسلامی و اشاره به آیات و احادیث جای تلمیحات اساطیری را گرفت که بهترین نمود را آن در اشعار مولانا می‌توان مشاهده کرد (شمیسا، ۱۳۷۳: ۲۰).

### انواع تلمیح

شمیسا تلمیح را در دو مقوله جای داده است: تلمیحات اسلامی که مربوط به رجال فرهنگ اسلامی است (سلیمان) و تلمیحات ایرانی که منشأ آن‌ها از اسلام است (همان، ۱۱). تلمیحات یا ایرانی هستند یا سامی و گاهی بندرت یونانی و هندی که هر کدام از این‌ها را می‌توان به انواعی (مثلاً غنایی و حماسی) تقسیم کرد. تلمیحات سامی خود به دو نوع اسلامی و عربی قابل تقسیم هستند. تلمیحات سامی عربی تلمیحاتی است که در آنها به ذکر رجال دوره‌ی جاهلی عرب می‌پردازد. اما تلمیحات سامی اسلامی یا مربوط به خود رجال اسلام است مانند احوال حضرت ختمی مرتبت و یا مطالب مربوط به تفسیر قرآن (اسرائیلیات) که بیشتر به تاریخ

پیامبران قوم یهود اختصاص دارد. اما تلمیحات یونانی و هندی بیشتر مربوط به رجال علم است (بلیناس، هرمس) (همان، ۱۱-۱۲).

پژوهشگر بر اساس تقسیم‌بندی‌های زیر به بررسی و تحلیل تلمیح در اشعار میرنوروز و داراب افسر بختیاری پرداخته و برای هر کدام مثال ذکر کرده است.

۱- تلمیحات اسطوره‌ای: منشأ پیدایی این تلمیح به اساطیر کهن بشری بر می‌گردد. اسطوره، تاریخ و فرهنگ پیش از تاریخ بشر است.

۲- تلمیحات تاریخی: این تلمیح، همان گونه که از نامش پیداست منشأ تاریخی دارد.

۳- تلمیحات مذهبی (تلمیح به آیات قرآنی و احادیث و دینی).

۴- تلمیحات ادبی: دسته‌ای از تلمیحاتند که به حوادث و شخصیت‌های ادبی مربوط می‌شوند و معمولاً در داستان‌ها و آثار ادبی می‌آیند. البته ممکن است جنبه‌ی تاریخی هم داشته باشند.

۵- تلمیحات فولکلوریک: این گونه تلمیحات به افسانه‌های عامیانه و شفاهی و شخصیت‌های مربوط به آن‌ها مربوط می‌شود که از فرهنگ توده گرفته می‌گیرد.

### تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش

در این بخش پژوهشگر به بررسی تلمیحات در اشعار میر نوروز و افسر بختیاری پرداخته است.

## ۱- تلمیحات دینی و مذهبی

۱-۱- اشاره به آیات قرآنی: تلمیحات قرآنی شامل آیه‌های قرآنی و احادیث امامان و پیامبران که در بردارنده مطالب فراوان دینی است.

عفاک الله از این بخت معلی  
 (میر نوروز، معراج، ۶۸: ۱۳۹۴)

این بیت اشاره دارد به آیه (۴۳) سوره ی توبه.

عفا الله عنک لم اذنت لهم حتی يتبين لک الذین صدقوا وتعم الکاذبین.

خداوند تورا بخشید؛ چرا پیش از آن که راستگویان برای تو آشکار شدند و دروغگویان را بشناس، به آنها اجازه دادی؛ خوب بود صبر می کردی، تا هر دو گروه خود را نشان دهند و جمله دعایی است که از آن بیشتر در تعظیم و تقدیر استفاده می شود.

می فروزم ولی نمی سوزم  
 کف موسی و سینهء مجمر (بختیاری، آتش و آب و آبرو، ۱۳۴۴: ۷۲).

از معجزات موسی این بود که چون دست راست به گریبان (جیب) می کرد و بیرون می آورد، نور سفیدی از آن می تافت و پنجه اش نورانی می شد. این معجزه به ید بیضا معروف است.

سوره ی طه، آیه ۲۲.

وَ اضمم یدک إلی جناحک تخرج بیضاء من غیر سوء ءایةٌ آخری.

و دستت را به گریبان ببرد، تا سفید و بی عیب بیرون آید؛ این معجزه دیگری است.



ما عشق پرستیم توکلت علی الله از عشق تو مستیم توکلت علی الله

ما دل به تو بستیم توکلت علی الله از قید برستیم توکلت علی الله (بختیاری، سپنتا، ۱۳۴۴: ۱۶).

تلمیح دارد به سوره ی هود و آیه ی (۵۶).

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبِّيَ عَلَيَّ وَ رَبِّكُمْ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَيَّ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا .

من، بر خدای یگانه که پروردگار من و شماست، توکل کرده‌ام هر جنبنده‌ای در قبضه قدرت اوست؛ زیرا پروردگار من بر صراط مستقیم است.

هر کجا می نگریم روی توأم در نظر است هر طرف می گذرم نقش توأم جلوه گر است  
از تو پنهان نتوان کرد و محال است دگر یک جهان آتش سوزان که مرا در جگر  
است (بختیاری، غزلیات، ۱۳۴۴: ۳۸).

در این در بیت به سه سوره وجود دارد که به توضیح هر کدام می پردازیم.

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُوَلُّوا فَثَمَّ وَجْهُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ. سوره ی بقره، آیه ی ۱۱۵.

مشرق و مغرب از آن خداست! پس به هر سوی رو کنید، رو به خدا کرده‌اید. خداوند دارای قدرت وسیع و داناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ. سوره ی حدید، آیه (۴).

او کسی است که آسمان و زمین را در شش روز آفرید؛ سپس بر عرش قدرت قرار گرفت؛ آنچه در زمین داخل می‌شود می‌داند، و آنچه را از آن خارج می‌شود و آنچه از آسمان نازل می‌گردد؛ و آنچه به آسمان بالا می‌رود؛ و هر جا باشید او با شماست، و خداوند نسبت به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَ جَهْرَكُمْ وَ يَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ. سوره‌ی انعام، آیه‌ی (۳)

در آسمان و زمین، خداوند یگانه اوست. پنهان و آشکار شما را می‌داند؛ و از آنچه (انجام می‌دهید و) به دست می‌آورید، با خبر است.

۱-۲- اشاره به داستان‌ها و احادیث دینی: اشاره به قصه‌ها و داستان‌های امامان و پیامبران که مربوط به زندگی آنها است که جنبه‌های آموزشی فراوانی دارند.

وجودش موجب موجود هستی  
قیامش قائم بالا و پستی (میر نوروز، در نعت  
حضرت رسول(ص)، ۱۳۹۴: ۶۲).

اشاره دارد به این حدیث که خداوند متعالی فرمود که حضرت محمد(ص) نبود دنیا را به وجود نمی‌آوردیم و این دنیا را به خاطر پیامبر اکرم بوجود آورده است.

لَوْلَاكَ لَمَا خَلَقْتُ الْأَفْلَاكَ.

نیم لمحّه از سرای ام هانی  
گشت محرم بر حریم لامکانی (میر نوروز، پیامی به  
دوست توکل به ذات حضرت باری تعالی، ۱۳۹۴: ۹۹)

به شب معراج پیامبر اشاره دارد. ام هانی دختر ابوطالب و خواهر علی (ع) بود. نام او در تاریخ فاخته، فاطمه و هند ثبت شده است. وی همسر هبیره بن عمرو مخدوی بود و از او چهار فرزند بنام یوسف، جعده، عمرو و هانی داشت. برخی از مورخان می‌گویند: معراج پیامبر(ص) از

خانه‌ی او بوده و می‌گویند که او در فتح مکه اسلام آورد. بنابراین پیامبر در روز فتح مکه وارد منزل ام هانی شد. غسل فرمود و هشت رکعت نماز خواند حدود ۴۸ حدیث از رسول خود نقل فرموده است که حدیث ثقلین و حدیث غدیر از جمله‌ی آنهاست.

سری کز آل یاسین بود پُرکین نهادش اره بر سر سین یاسین (میر نوروز، در نعت حضرت رسول (ص)، ۱۳۹۴: ۶۲)

یکی از تفسیرهایی که برای آغاز سوره‌ی یس ذکر شده است اینست که این کلمه مرکب از (یا (حرف ندا) و سین یعنی شخص پیامبر اسلام استو به این ترتیب پیامبر (ص) را برای بیان مطالب بعد مخاطب می‌سازد. در احادیث مختلفی نیز آمده است که این کلمه یکی از نام‌های پیغمبر گرامی اسلام است (نور الثقلین جلد ۴ صفحه ۳۷۵).

در روایتی از امام صادق (ع) می‌خوانیم که فرمود: یس اسم رسول الله ص و الدلیل علی ذلک قوله تعالی إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ علی صراطٍ مُسْتَقِيمٍ: یس نام رسول خداست و دلیل بر آن این است که بعد از آن می‌فرماید تو از مرسلین و بر صراط مستقیم هستی. بنابراین تفسیر مراد از یس پیامبر (ص) است و آل یاسین خاندان پاک او (ع) است (تفسیر نمونه، تفسیر سوره یس، جلد ۱۸).

در قساوت نایب شمر و سناند یادگاری از گذشته‌ها، ۱۳۹۴: ۹۷).

در این بیت به اشخاصی چون سنان و شمر اشاره شده است.

در سال ۶۱ امام حسین (ع) و یزید در صحرای کربلا جنگ در گرفت که در این جنگ ۷۱ تن از یاران امام حسین و خود ایشان که به دست سنان النخعی سر از بدنش جدا کرد و به شهادت رسیدند و شم ذی الجوشن سر حضرت را به شام نزد یزید برد.

بیاوردش بُراقی تند چون برق  
چو مدّ برق جستی غرب تا شرق (میرنوروز،  
معراج، ۱۳۹۴: ۶۴)

در این بیت اشاره شده به شب معراج رسول اکرم (ص)، پیامبر در این سفر سوار اسبی به نام براق بود. برخی به جای براق، رفر گفته و آن را تختی دانسته‌اند که حضرت رسول (ص) در شب معراج بر آن نشست. معراج در شب (شب أُسری، لیلۃ الأُسری) اتفاق افتاد و در آن شب همه انبیاء و ملائک در تجلیل و تکریم پیغمبر کوشیدند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۹۳).

چون شنیدم این سخن زان راحت جان  
آفرین خواندم بر آن بلقیس دوران (میرنوروز،  
وصف یار، ۱۳۹۴: ۷۲)

بلقیس ملکه سبا است که چون سلیمان به وسیله هدهد خبر شکوه و قدرت او را شنید به او نامه نوشت تا به درگاه او حاضر آید. نامه سلیمان به بلقیس با بسم الله شروع شده بود. چنان که در سوره نمل (آیه ۳۰) می‌فرماید: *إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ*. این نامه از سلیمان است و چنین است: بنام خداوند بخشنده مهربان. سپس سلیمان خواست به سبا برود اما بلقیس چون دانست سلیمان پیغمبر است. حاضر شد که خودش به درگاه سلیمان آید و در نهایت بلقیس به سلیمان ایمان آورد و همسر او گردید و اشتیاق سلیمان به بلقیس معروف است (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۷۷).

گر وفا داشتی این بی وفا روح  
تا قیامت زنده ماندی آدم و نوح (میرنوروز،  
یادی از جوانی و زشکوه از ایام پیری و ناتوانی، ۱۳۹۴: ۷۳)

اشاره به داستان آدم و نوح دارد. آدم نخستین انسان و نخستین پدر و نخستین پیامبر است و بعد از او فرزندان شیت، انوش، قینان... به ترتیب پیغمبر شدند.

فرشتگان گل آدم را سرشتند و سپس خداوند به آن صورت بخشید و در آن روح دمید. اما بر طبق یک حدیث قدسی خداوند با دست خود گل آدم را سرشت: *خَمَرْتُ طِينَةَ آدَمَ بِيَدِيَّ اَرْبَعِينَ صَبَاحًا*.

هنگامی که خداوند آدم را آفرید به ملائکه دستور داد تا بر او سجده کنند، پس همه فرشتگان بر آدم سجده کردند مگر ابلیس... خداوند آدم را در بهشت جای داد و حوا را از پهلوی چپ او پدید آورد. ابلیس به سبب این نافرمانی مطرود شد و کینه آدم را در دل گرفت از این روی به یاری ماری به بهشت راه یافت و آدم و حوا را بفریفت تا گندم یعنی میوه ممنوع را که خداوند، آدم و حوا را از خوردن آن بر حذر داشته بود، بخوردند خداوند به سبب این نافرمانی بر آدم و حوا خشم گرفت. به فرمان الهی درخت طوبا با شاخه‌های خود، آدم و حوا را برگرفت و از بهشت بیرون انداخت (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۷-۶۸). نوح ۹۵۰ سال پیغمبر بود. اسم پدر نوح، لَمَك بود و از این رو به نوح پور لَمَك نیز گفته‌اند. قوم نوح به او نگرویدند مگر عده قلیلی که در روایات مختلف ۸۰ یا ۴۰ یا ۳۰ تن ذکر شده‌اند. نوح به فرمان خداوند درخت ساج کاشت و چون درخت بزرگ شد در کوفه از آن کشتی ساخت. هنگامی که نوح مشغول ساختن کشتی بود خلائق او را مسخره می‌کردند، از این نظر صبر نوح در مقابل تمسخر کافران و مقاومت در ساختن کشتی معروف است. سرانجام طوفان نوح از تنور زن نوح که پیر زنی بود ساکن کوفه آغاز شد (همان، ۶۶۰).

ور بیارن یوسف مصری و بازار  
نیستم جز جان شیرین را خریدار (میر نوروز، پیامی به معشوق، ۱۳۹۴: ۷۵).

یوسف محبوب‌ترین پسر یعقوب است. او و ابن یامین (بن یامین) از زنی به نام راحل و ده برادر دیگر از مادری جدا بودند. یوسف بسیار نیک چهره بود و بدین دلیل او را به ماه تشبیه کرده‌اند (ماه کنعان، ماه کنعانی، ماه مصر) برادران یوسف به او حسد بردند و خواستند او را بکشند و مخصوصاً شمعون بر این کار اصرار داشت و یهودا مخالف کشتن یوسف بودند و به

پیشنهاد اویوسف را در چاهی خشک در سرزمینی مسکونی خود کنعان انداختند و روزی کاروانی آمدند تا از آب آن چاه بخورند متوجه می‌شوند که شخصی در چاه افتاده است و دلورا انداختند و یوسف را بالا آوردند و یوسف را به عنوان برده به مصر بردند و او را به عزیز مصر فروختند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۰۶).

کافرُم آر ببرُم هیچ مؤاسمی ز بهشت  
ناکسُم آر بکنم یاد زحوض کوشر  
(بختیاری، دلبریه، ۱۳۴۴: ۱۹۳).

کوشر (از ماده کثیر) نام حوض یا چشمه یا نهری در بهشت است. که کامل تفسیر را در باب آن گفت و گوهاست. بر اساس روایات، سرچشمه آن سدره المتهی است. پایه‌هایش در زیر عرش قرار دارند و سنگریزه‌های آن مروارید و پهنای آن میان مغرب و مشرق است. بر طبق روایات شیعه، ساقی آن علی بن ابی طالب (ع) که دوستان را از آن سیراب کند و دشمنان را تشنه به جهنم فرستد (یا حقی، ۱۳۸۵: ۶۷۸).

یوئوخو آید که دالو به کلاف رشتن  
یوسف گمشد نه چشم خریدن داره (بختیاری، غزل  
بزبان بختیاری، ۱۳۴۴: ۱۸۸).

یوسف محبوب‌ترین پسر یعقوب است. یوسف بسیار نیک چهره بود. برادران یوسف به او حسد بردند و خواستند او را بکشند و مخصوصاً شمعون بر این کار اصرار داشت. ولی یهودا مخالف بود. بنابراین تصمیم گرفتند او را به چاه بیندازد تا در درون چاه کشته شود و این کار را کردند. در هنگامی که یوسف در چاه بود کاروانی آمد و می‌خواست از آن چاه آب بخورد که یوسف سوار دلو شد و نجات پیدا کرد. در این هنگام برادران یوسف متوجه شدند و نزد رئیس کاروان آمدند و او را به هفده درهم فروختند و آن کاروان وارد مصر شدند و یوسف را در بازار برده فروشان به عنوان برده به بوطیفار عزیز مصر فروختند و او وارد قصر بوطیفار شد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۷۰۶-۷۰۷).

شعر ناصر را بر او خواندم ولی  
 یک کلامی را از او از بر نکرد  
 هر چه گفتم شرح عشقش را به او  
 هیچ حرفی را زمن باور نکرد  
 گفت "افسر این سخن بشنو زمن  
 هیچ ظلمی را به او دلبر نکرد  
 بهر خویش آتش خیالی پخته است  
 هیچ کس او را به پیری خر نکرد  
 اشک چشمش گر که شد طوفان نوح  
 ذره دامان ما تر نکرد (بختیاری، ۱۳۴۴: ۱۰۵)  
 اشاره دارد به داستان نوح.

سرانجام طوفان نوح از تنور (تنور، تنور پیرزن، تنور طوفان) زن نوح که پیرزنی بود ساکن کوفه آغاز شد. شروع طوفان را روز جمعه (آدینه) گفته‌اند. نوح به فرمان خداوند سوار کشتی شد و از هر چه در روی زمین بود نمونه‌ای نر و ماده برداشت تا چون طوفان فرو نشیند دگر باره جهان را آبادان سازد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۶۶۴).

## ۲- تلمیحات ادبی

دسته‌ای از تلمیحات که به حوادث و شخصیت‌های ادبی مربوط می‌شوند و معمولاً در داستان‌ها و آثار ادبی می‌آیند (اعلا، ۱۳۸۹: ۶۱).

بی وفا دنیا اگر بودش وفایی  
 بود با پرویز و شیرینش بقایی (میرنوروز،  
 دگرگونی‌های روزگار، ۱۳۹۴: ۸۸)

خسرو دوم پسر هرمز چهارم معروف به خسرو پرویز (پرویز، خسرو) و کسری از شاهان معروف ساسانی است. خسرو پرویز در شعر فارسی به حشمت و جلال معروف است. عشق او به شیرین معروف است. شیرین شاهزاده‌ی ارمنی و برادر زاده‌ی مهین بانو ملکه ارمنستان بود. شیرین با آن که علاقه‌ی مفراطی به خسرو داشت در مقابل هوس خسرو مقاومت می‌کرد تا آن

که خسرو مجبور به ازدواج با او گردید. داستان خسرو و شیرین از داستان‌های اواخر عهد ساسانی است. در این روایات، عاشق شدن خسرو به شیرین کنیزک ارمنی ز عهد هرمز آغاز می‌شود. اما در خسرو و شیرین نظامی، شیرین شاهداهارمنی است. خسرو برای تحریک حسادت شیرین به اصفهان رفت و بازی پر آوازه و جمیل به نام شکر اصفهانی ازدواج کرد. خسرو در عشق شیرین رقیبی به نام فرهاد داشت اما عاقبت او را از سر راه خود برداشت. خسرو به دست پسرش شیرویه به قتل رسید. شیرین با شنیدن قتل خسرو، سینه خود را با خنجر درید و در کنار او در گور درگذشت (شمیسا، ۲۷۷: ۱۳۸۶-۲۷۶).

رخ و گیسو به هم مطبوع و موزون  
چو خدّ لیلی و چون خطِ مجنون  
(میرنوروز، معراج، ۱۳۹۴: ۶۵).

لیلی معشوقه معروف مجنون است که در ادب فارسی مظهر کامل عشق و عشق کل و نماینده تمام معشوق شاعران شده است. او دختر مهدی بن سعد یا مهد بن ربیع بود و مجنون بن قیس بن ملوح عاشق او شد و از عشق او سر به بیابان نهاد و با وحوش و غزالان دمخور گشت. مجنون، شاعر هم بود و دیوان شعر هم به او منصوب است. در ادب عرفانی فارسی، لیلی مظهر عشق ربّانی و الهی است و مجنون مظهر روح ناآرام بشری است که بر اثر دردها و رنج‌های جانکاه، دیوانه شده و در صحرای جنون و دلدادگی سرگردان است و در جست و جوی وصال حق به وادی عشق در افتاده و می‌خواهد به مقام قرب حضرت لایزال واصل شد. از داستان عشق این دو دلداده شاید بیش از هر داستان عشقی دیگری، در ادب فارسی سخن گفته شده است. از داستان این دو که سرآغاز آنها تقریباً لیلی و مجنون نظامی گنجوی است (یا حقی، ۷۳۳: ۱۳۸۵-۷۳۲).

زشت زنی بود که این کشت کرد  
نام زنان را به جهان زشت کرد

مر تو ندانی که سیاووش شاه  
بود جوانی چو فروزنده ماه



چهرهاو رشک بهشت برین      با شرف و با صفت و پاکدین

بر دل سودابه از او مهر بود      پادشه از بسکه پریچهر بود

ساغر می خواست بکامش کشد      از ره تدبیر بدامش کشد

شاه نیفتاد چو در دام او      رام نشد از طمع خام او (بختیاری، اشعار عزتی، ۱۳۴۴: ۱۰۰).

اشاره دارد به داستان سیاوش و سودابه.

سیاوش یا سیاوخش پسر کی کاووس است. که کودکی خود را نزد رستم گذرانیده است. پس از اینکه پرورش یافت و فنون جنگی را فرا گرفت. نزد پدرش از گشت. سیاوش که بسیار زیبا بود و سودابه دختر شاه هاماوران که زن کی کاووس بود عاشق سیاوش شد. ولی سیاوش به دام سودابه تن در نداد و چون به خواهش سودابه تن در نداد، کی کاووس را بر سیاوش برانگیخت. سیاوش برای اثبات بی گناهی خود از آتش عبور کرد و آتش بر او گلستان شد. رستم بعد از رسیدن خبر قتل سیاوش، جلوی چشم کی کاووس، سودابه را از شبستان بیرون آورد و سرش را برید. چون مسبب هجرت سیاوش به توران سودابه بود (شمیسا، ۱۳۸۶: ۴۰۰).

حکم قضا بود بما زور کرد      دست قدر دیده شه کور کرد (بختیاری، اشعار عزتی، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

شاید اشاره داشته باشد به اینکه حرص و آز و طمع کی کاووس را مجبور کرده بود به مازندران برود و در آنجا گرفتار دیو سفید شود و او و سپاهیان را کور کرد و موقعی که این خبر به رستم رسید برای نجات این شاه نادان راهی مازندران شد و هفت خوان رستم را پشت سر گذاشت تا به کی کاووس و سپاهیان ایران رسید و آنها را نجات داد.

ئی زمین غارتی از داریوشه      کس نبید که چی کیخسرو امروز بکوشه  
(بختیاری، رستاخیز مسجد سلیمان، ۱۳۴۴: ۱۷۴).

داریوش یکم، نامور به داریوش بزرگ، پسر ویشتاسپ، همسر آتوسا و داماد کوروش بزرگ، سومین پادشاه هخامنشی بود. وی در سال ۵۲۲ پیش از میلاد، با کمک چندی از بزرگان هفت خانواده اشرافی پارسی با کشتن گئومات مغ بر تخت نشست.

کیخسرواز شاهان کیانی و پسر سیاوش و فرنگیس (دختر افراسیاب) افراسیاب بعد از کشتن سیاوش دستور داد که فرنگیس را بزنند تا جنین او سقط شود. اما پیران ویسه فرنگیس را از دست افراسیاب نجات داد و به خانه برد و چون کیخسرو زاده شده پیران او را به دستور افراسیاب به شبانان سپرد تا از نژاد خود مطلع نشود. هنگامی که گیو پسر گودرز در جست و جو کیخسرو به توران رفت پس از هفت سال جست و جو او را در مرغزاری یافت و از خال بازوی کیخسرو که نشانه شاهان کیانی بود او را شناخت و همراه مادرش به ایران برد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۵۳۶).

### ۳- تلمیحات اساطیری

منشأ پیدایی این تلمیح به اساطیر کهن بشری بر می‌گردد. اسطوره، تاریخ و فرهنگ پیش از تاریخ بشر است (اعلا، ۱۳۸۹: ۶۱)

زال کو؟ کو آن همه دستان دستان؟ کهنه زالش چون بُرید آخر زپستان؟ (میرنوروز، دگرگونی‌های روزگار، ۱۳۹۴: ۸۷).

زال پدر رستم قهرمان فرهنگ ایرانیان. زال سپید موی متولد شد و به همین دلیل سام او را به کوه البرز برد و در آنجا گذاشت و سیمرغ او را به لانه‌ی خود برد و مثل جوجه‌های خود بزرگ کرد در پی خوابی که سام دید پیش سیمرغ رفت و زال را تحویل گرفت و سیمرغ پری از خود را به او داد تا به هنگام نیاز آتش بزند. زال به آموختن هنر و دانش پرداخت و پهلوان شد و در این زمان زال به رودابه علاقه‌مند شد. رودابه دختر مهرباب از نژاد ضحاک بود. منوچهر پادشاه

ایران در اول به این ازدواج موافقت نکرد. ولی در پی خوابی که دید به این ازدواج رضایت داد (شمیسا، ۱۳۸۶: ۳۴۷).

کو یلی که قاتل دیو سفیدی؟ آخر از دنیا برفت و ناامیدی (میرنوروز، دگرگونی‌های روزگار، ۱۳۹۴: ۸۷).

اشاره دارد به کشته شدن دیو سفید به دست رستم. رستم یا تهمتن معروف ترین پهلوان ایران که به جنگاوری و شکست ناپذیری و قدرت بازویی نظیر بود. او در زمان سلطنت منوچهر زاده شد. پدر او زال داستان یا زر و مادرش رودابه و همسرش تهمینه و دخترش بانوگشسب نام دارند. رستم چند دیو را شکست داد و کشت. در زمان کی کاووس دیوی به نام دیو سپید بود. زمانی که کی کاووس به مازندران لشکر دیو سپید او را به جادوی، کور و اسیر کرد و ایرانیان را شکست داد. در این زمان رستم با خبر شد و به جنگ دیو سفید رفت و دیو سفید را هفتخان جلو راه رستم گذاشت و رستم از هر کدام از این خان‌ها پیروز شد و دیو سفید را شکست داد و سینه‌ی او را درید و جگرش را بیرون آورد و از خون جگر به درون چشم کی کاووس و چشم‌هایش سالم شد و سپاهیان ایران را رستم نجات داد.

گر شنیدی نام رستم را کوه قاف چون دل مؤمن شدی اندر زمین صاف (میرنوروز، دگرگونی‌های روزگار، ۱۳۹۴: ۸۷).

رستم یا تهمتن معروف ترین پهلوان ایران که به جنگاوری و شکست ناپذیری و قدرت بازو بی نظیر بود. او در زمان پادشاهی منوچهر به دنیا آمده است. پدرش زال داستان و مادرش رودابه (دختر مهرباب شاه کابلی است). جد او سام و همسر او تهمینه (مادر سهراب) است و دختر رستم بانوگشسب است و داماد رستم گیو است. اسم زره یا جامه جنگ رستم ببریان بود. بین زال پدر رستم و سیمرغ دوستی و مودت بود زیرا بر طبق روایت شاهنامه سیمرغ زال را بر فراز البرز پرورده بود. سیمرغ در ولادت رستم کمک کرد و نیز در جنگ رستم و اسفندیار زخم‌های رستم را بهبود بخشید و طریقه کشتن اسفندیار را به رستم آموخت جایگاه سیمرغ کوه البرز است.

البرز کوهی است که در روایات زردشتی گرداگرد زمین را فرا گرفته است. البرز بعد از اسلام کوه قاف نیز گفته‌اند (همان، ۳۳۳-۳۳۵).

تو مردی و سفیدی که سر ره اگری وار (بختیاری، کلاریه، ۱۳۴۴: ۱۸۱).

پله اوره اگری وا کشیس رستم

گد علی بس که: کروی شاد بمیری که علی

نید محتاج به ئی آهن بی رنگ و نگار

دشنسه شیر خدا از کل شالس دروید وار (بختیاری، عمرویه، ۱۳۴۴: ۱۳۲).

گوش تا گوش سر عمرو برید رستم

اسو خوبیدیم که پاک شاهان ادان باج تاج (بختیاری، رستاخیز مسجد سلیمان، ۱۳۴۴: ۱۷۴).

بهرام گور ا بخشید به همه سون

بهرام پنجم مشهور به بهرام گور متوفی در سال ۴۳۷م، پانزدهمین پادشاه ساسانی است. بهرام گور به شاد خواری و بخشندگی معروف است. بهرام به شکار گور خر معروف است و گفته‌اند روزی که مشغول تعقیب و شکار گورخری بود ناپدید شد. به بهرام گور گنجی به نام گنج گاو رسید که عبارت بود از دو گاو میش زرین بود. این گنج از گنج‌های جمشید است که به بهرام گور رسید که در زمان بهرام گور کشاورزان آن را پیدا کرده‌اند و عاقبت بهرام آن را بین فقیران و مستمندان تقسیم کرد (شمیسا؛ ۱۳۸۶: ۱۸۹).

حالا به طاق کسری جغد انشته

ایرونی کور باد ئی روز نینه (بختیاری، رستاخیز مسجد سلیمان، ۱۳۴۴: ۱۷۴).

کاخ انوشیروان (ایوان مداین، ایوان کسری، بارگاه کسری، طاق کسری) در مداین نمونه جلال و شکوه پادشاهان عجم است و هنوز قسمت‌هایی از طاق ضربی آن به جا مانده است (شمیسا؛ ۱۳۸۶: ۱۵۲).

#### ۴- تلمیحات تاریخی

این تلمیح همان گونه که از نامش مشخص است به مکان و حوادثی مربوط می‌شود که در زمان بسیار گذشته اتفاق افتاده است.

وقته دهر از آتشم گردد پر از شور پای بر هستی نهم مانند منصور (میرنوروز، دگرگونی‌های روزگار، ۱۳۹۴: ۸۷)

اشاره به عارف مشهور ایران حسین بن منصور دارد که انا الحق می‌گفت از این جهت او را به دستور حامد بن عباس وزیر مقتدر عباسی در سال ۳۰۹ هجری قمری در بغداد به دار آویختند (شمیسا، ۱۳۸۶: ۲۶۵).

این چه نرد ناشیانه بی که باختی با تو ساختیم و تو با ما نساختی؟ (میرنوروز، تلخی‌های شیرین، ۱۳۹۴: ۷۷).

تخته نرد کهن‌ترین بازی دنیا است که در میان مردم خاورمیانه و مردمان اروپای شرقی بسیار رواج دارد. در این بازی دو نفره، طرفین مهره‌های خود را بر اساس دو عددی که بر روی تاس نقش می‌بندند در جهت حرکت عقربه‌های ساعت یا خلاف آن حرکت می‌دهند و در آخر از صحنه بازی خارج می‌سازند؛ در پایان بازی یکی برنده خواهد بود که زودتر همه مهره‌های خود را از زمین بازی خارج نماید. کاوش‌های باستان‌شناسی در شهر سوخته نشان می‌دهد این بازی در ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد در ایران وجود داشته است.

شاه تیمور که مشهور به خین ریزی بید کمترین بنده‌ای از مردم تاتار تونه (بختیاری، خدائیه، ۱۳۴۴: ۱۱۹)

شاه تیمور پادشاه خونریز مغول است که به گورکان (= داماد) و تیمور لمگ نیز معروف است. وی در طول زندگی ۷۱ ساله خود به کشورها و شهرهای متعددی یورش آورد که از جمله آنها،

حمله او به عثمانی‌ها در سال‌های ۸۰۳ و ۸۰۴ است، در این هجوم‌ها تعدادی از شهرهای عثمانی به دست تیمور افتاد (محمدی، ۱۳۸۵: ۱۵۴).

خان چنگیز که دنیا نه سر از ته رفتی  
هر چه بد کرد بمردم همه وادار تو نه  
(بختیاری، خدائیه، ۱۳۴۴: ۱۱۹)

چنگیزخان لقب تموچین فاتح معروف و مؤسس دولت مغول بود. نام چنگیز خان که به معنای خان اعظم و خان خانان است در مجلس عالی معروف به قوریلتای توسط کاهن اعظم مغول به وی اعطا شد. چنگیز پس از آنکه به ریاست قبیله خود دست یافت قبایل مغول را با هم متحد کرد و به ایران حمله کرد. (شمیسا، ۱۳۸۶: ۱۶۷).

#### نتیجه

تلمیح یکی از بهترین ابزارهای بیان خلاقیت شاعران و نویسندگان است و باعث ایجاد تصویرهای نوو بدیع و تازه می‌شود و یکی از دلایل بسیار مهم استفاده شاعران و نویسندگان از تلمیح، خصوصاً تلمیحات قرآنی و احادیث، تفاخر به علم و فضل خود است. در این تحقیق در خصوص تلمیح پژوهشگر به این نتیجه رسیده است که میرنوروز و داراب افسر بختیاری با استفاده از تلمیحاتی چون روایت داستان‌های دینی، تاریخی، اساطیری و ادیبیه بیان افکار و عقاید خود پرداخته‌اند و بر آن بوده‌اند تا شعر را به عنوان منبع آگاهی برای مردم ارائه دهند. یافته‌های تحقیق بیانگر این موضوع است که درصد استفاده هر دو شاعر (میرنوروز و داراب افسر بختیاری) در اشعار دینی تا حد زیادی هم اندازه بوده است در کل از دیوان میرنوروز به طور اتفاقی ۱۳۰ شعر انتخاب شده و از این تعداد ۳۸ مورد تلمیحات دینی، ۴۰ مورد تلمیحات قرآنی، ۴ مورد تلمیحات ادبی، ۱۴ مورد تلمیحات تاریخی و ۳۱ مورد مربوط به تلمیحات اساطیری است. به این ترتیب تلمیحات قرآنی، دینی، اساطیری، تاریخی و ادبی به ترتیب بیشترین کاربرد را در دیوان میرنوروز را دارد و اما از دیوان داراب افسر بختیاری به طور اتفاقی ۸۳ مورد شعر انتخاب شده است که تلمیحات دینی ۷۷ مورد، تلمیحات قرآنی ۸ مورد، تلمیحات ادبی ۱۴ مورد،

تلمیحات تاریخی ۱۰ مورد و تلمیحات اساطیری ۸ مورد به کار رفته است. با توجه به موارد بالا می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که در هر دو دیوان ۵۶ درصد تلمیحات دینی، ۹ درصد تلمیحات قرآنی، ۱۷ درصد تلمیحات ادبی، ۱۲ درصد تلمیحات تاریخی و بالاخره ۹ درصد تلمیحات اساطیری استفاده کرده‌اند. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که کاربرد تلمیحات قرآنی و دینی به مراتب از انواع دیگر تلمیح کارایی زیادی در اشعار هر دو شاعر (میر نوروز و داراب افسر بختیاری) داشته است و هر دو شاعر از تلمیحات دینی استفاده چشم‌گیری کرده‌اند.

### منابع

قرآن کریم.

اعلاء، محسن، (۱۳۸۹)، «مقاله کندوکاوی تلمیح»، زمستان، شماره دوم، ص ۶۱.

بازوند، فیض‌اله، (۱۳۹۳) «صور خیال در اشعار لری میر نوروز»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، لرستان، دانشگاه لرستان.

تفتازانی، مسعود بن عمر، (۲۰۱۳) *المطول شرح تلخیص مفتاح العلوم*، بیروت، در الکتب العلمیه.

جرجانی، محمد، (۱۳۰۶) *التعریفات*، تهران، انتشارات ناصر خسرو.

جعفریان، رسول، (۱۳۸۶) *آثار مکه و مدینه*، تهران، نشر شعر.

جهانبخت، سید محمد، (۱۳۸۵) *رند لرستان*، خرم آباد، انتشارات شاپور خواست.

سپینتا، عبدالحسین، (۱۳۴۴) *دیوان داراب افسر بختیاری*، اصفهان، چاپخانه ربانی.

شمیسا، سیروس، (۱۳۸۳) *نگاه تازه به بدیع*، تهران، انتشارات میترا.

شمیسا، سیروس، (۱۳۸۶) *فرهنگ تلمیحات*، تهران، انتشارات میترا.

عباس زاده، معصومه، (۱۳۸۹) «بررسی دیوان داراب افسر بختیاری (از دیدگاه زیباشناسی و ساختار زبانی)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، خوزستان، دانشگاه پیام نور.

غضنفری امرایی، اسفندیار، (۱۳۹۴) دیوان میر نوروز، خرم آباد، انتشارات شاپور خواست.

فشارکی، محمد، (۱۳۷۹) نقد بدیع، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی.

قدیمی، یوسف، تلمیح در شعر نو، شماره ۴، تابستان ۱۳۹۳

قیس رازی، شمس الدین محمد، (۱۳۱۴) المعجم فی معانی اشعار العجم، تهران، مطبوعه مجلس.

کزازی، میر جلال الدین، (۱۳۷۳) زیبا شناسی سخن پارسی (۳) بدیع، تهران، نشر مرکز.

مازندرانی، محمد صالح، (۱۳۷۶) انوار البلاغه (در فنون معانی، بیان و بدیع)، تهران، مرکز فرهنگی نشر قبله.

محمدی، محمد حسین، (۱۳۸۵) فرهنگ تلمیحات شعر معاصر، تهران، انتشارات میترا.

محمودی، علیرضا، (۱۳۷۹) «بررسی تلمیح در شعر پنج شاعر معاصر (توللی، مشیری، ابتهاج، خوی و آتشی)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره).

مصفا، ابوالفضل، (۱۳۶۶) فرهنگ اصطلاحات نجومی، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

نهج البلاغه، ترجمه دشتی.



واعظ کاشفی سبزواری، میرزا حسین، (۱۳۳۹) *بديع الافكار فی صنایع الاشعار*، تهران، نشر مرکز.

همایی، جلال الدین، (۱۳۷۷) *فنون و بلاغت و صناعات ادبی*، تهران، انتشارات اهورا.

یاحقی، محمد جعفر، (۱۳۸۵) *فرهنگ اساطیر و داستان‌واره‌ها*، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر.

یوسفوند، شهین، (۱۳۹۵) «بررسی صور خیال در اشعار میر نوروز با تکیه بر (تشبیه و استعاره)»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد ادبیات فارسی، دره‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی.